

«بازتاب نهضت‌های سیاسی و اجتماعی ایران در شعر معاصر فارسی
از مشروطه تا واقعه ۲۸ مرداد ۱۳۳۲»

پریچهر کوهنورد، مرتضی فلاح*، مجید پویان
گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده زبان و ادبیات، دانشگاه یزد، یزد، ایران.

سال هفدهم، شماره هشتم، آبان ۱۴۰۳، شماره پی در پی ۱۰۲، صص ۲۲۹-۲۰۷
DOI: <http://10.22034/bahareadab.2024.17.7547>

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی
(بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: جنبش‌های اجتماعی و سیاسی از دیرباز، در همه جوامع بشری پدید می‌آیند. در ایران نیز همزمان با دوران مشروطیت، نهضت‌ها و جنبش‌های زیادی شکل گرفت و جامعه را در مسیری از تحول و ترقی قرار داد که هنوز هم می‌توان آثار آن را در ادبیات و به ویژه شعر مشاهده کرد.

روش‌ها: این پژوهش که مطالعه‌ای نظری است به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از ابزار کتابخانه‌ای انجام شده است. محدوده و جامعه مورد مطالعه، اشعاری است که تحت تأثیر قیام‌های سیاسی اجتماعی، از مشروطه تا واقعه ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ سروده شده‌اند.

یافته‌ها: یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که اشعار مربوط به نهضت‌های سیاسی این دوره، تا حدود زیادی از لحاظ محتوایی با دیگر اشعار این عصر متفاوت است. از مهمترین ویژگی این اشعار وجود درونمایه‌ها و مضامین مختلف، تناسب اشعار شاعران با تحولات و شرایط جامعه، همچنین درهم‌تنیدگی شعر با مبارزات سیاسی و اجتماعی است. این اشعار از جنبه‌های مختلفی قابل توجهند؛ اما از همه مهمتر، بررسی شیوه شاعران در اقناع مخاطب و اثرگذاری بیشتر بر اوست که منجر به گسترش مبارزات و آوردن ملت به بطن حوادث میشود.

نتیجه‌گیری: تأثیرگذاری نهضت‌ها بر شعر معاصر به روش‌های مختلفی صورت می‌گیرد که مهمترین آنها عبارت است از: ۱- برانگیختن مردم به مبارزات آزادیخواهانه که شامل: دعوت مردم به مبارزه با استفاده از شگردهای بیانی، استفاده از باورهای فرهنگی و همچنین توجه به شخصیت‌های اساطیری است. ۲- انتقاد. ۳- تحسین و ستایش رهبران نهضت‌ها و دیگر مبارزان. ۴- ذم و تحقیر رهبر یکی از احزاب یا دشمنانشان.

تاریخ دریافت: ۰۵ بهمن ۱۴۰۲
تاریخ داوری: ۰۸ اسفند ۱۴۰۲
تاریخ اصلاح: ۲۳ اسفند ۱۴۰۲
تاریخ پذیرش: ۰۹ اردیبهشت ۱۴۰۳

کلمات کلیدی:

آزادیخواهی، ادبیات معاصر، نهضت، وطن‌خواهی.

* نویسنده مسئول:

mfallah@yazd.ac.ir
۳۱۲۳۴۱۴۷ (+۹۸ ۳۵)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Reflecting the Iranian political and social movements in contemporary Persian poetry from the constitutional to event of 19 August 1953

P. Kohnavard, M. Fallah*, M. Pouyan

Department of Persian Language and Literature, Faculty of Language and Literature, Yazd University, Yazd, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 25 January 2024
Reviewed: 27 February 2024
Revised: 13 March 2024
Accepted: 29 April 2024

KEYWORDS

freedom, contemporary literature;
Movement, patriotism.

*Corresponding Author

✉ mfallah@yazd.ac.ir

☎ (+98 35) 31234147

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: Social and political movements have been emerging in all human societies for a long time. In Iran, at the same time as the constitutional era, many movements were formed And put the society on a path of transformation and progress, whose effects can still be seen in literature, especially poetry.

METHODOLOGY: This research, which is a theoretical study, was carried out using a descriptive-analytical method and using library tools. The scope and society studied are the poems that were written under the influence of social political uprisings, from the constitution to the Mordad 1332 incident.

FINDINGS: The findings of the research show that the poems related to the political movements of this period differ to a large extent in terms of content from other poems of this era. One of the most important features of these poems is the existence of different themes and themes, the suitability of poets' poems with the changes and conditions of society, as well as the interweaving of poetry with political and social struggles. These poems are remarkable from different aspects; But the most important thing is to examine the way of poets in persuading the audience and influencing them more, which leads to the expansion of struggles and bringing the nation to the heart of the events.

CONCLUSION: This influence is done in different ways, the most important of which are: 1- Inciting people to fight for freedom, which includes: inviting people to fight using expressive techniques, using cultural beliefs, and also paying attention to mythological characters. 2- Criticism. 3- Admiring the leaders of the movements and other fighters. 4- Blaming and humiliating the leader of one of the parties or their enemies.

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2024.17.7547>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 44	 0	 0

مقدمه

جنبش‌های اجتماعی از مهمترین کنش‌های جمعی سازمان‌یافته برآمده از متن جامعه است که با طرفداری یا طرح گفتمانی خاص، بخشی یا تمام افراد یک جامعه را برای تغییر و یا اصلاح جنبه‌هایی از زندگی اجتماعی، اعم از سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، زیست‌محیطی، تهییج و بسیج مینماید (ابراهیمی و همکار، ۱۳۹۳: ۲۱۲-۲۱۳). جنبش اجتماعی یکی از مهمترین اشکال رفتار جمعی است که تعداد کثیری از مردم در آن سازمان‌یافته و فعالانه شرکت می‌جویند. این نوع جنبش، هنگامی به وجود می‌آید که گروه سازمان‌یافته‌ای، در صدد برمی‌آید تا تحولاتی را چه سطحی و چه عمقی پدید آورند (امین‌صارمی، ۱۳۹۳: ۱۶). اما جنبش سیاسی، نهضت و قیام گروهی از مردم است که در راستای رسیدن به یک هدف سیاسی در حوزه محلی، دینی یا مذهبی، ملی یا بین‌المللی رخ می‌دهد. انقلاب یا نهضت مشروطیت، یکی از مهمترین رویدادهایی بود که در ایران معاصر به وقوع پیوست، اگر چه این نهضت با ناکامی مواجه شد، اما تحولی در ادبیات ایران ایجاد کرد و باعث شد سبکی نو و تازه در شعر و نثر پدید آید. علاوه بر آن، در راستای این انقلاب، بسیاری نهضت‌های موافق یا مخالف مشروطه نیز پدیدار شدند که هر یک، هدفی با خود به همراه داشتند.

ادبیات و بویژه شعر همواره زبان حال مردمی بوده است که دردها، رنج‌ها، غم‌ها و شادی‌های خود را با آن بیان میکردند؛ تا آنجا که بخش وسیعی از آرمانخواهیها و مبارزات آزادی‌طلبانه، در قالب شعر مطرح شد و گسترش یافت. آشنایی با فرهنگ غربیان و تجددخواهی ایرانیان، تأثیر زیادی در تغییرات اجتماعی، سیاسی کشور داشت. در این مسیر، حرکت‌های روشنفکری بسیاری صورت گرفت. تلاش‌های افرادی مانند سیدجمال‌الدین اسدآبادی و آقاخان کرمانی زمینه قیام مشروطه را فراهم کرد. تقی‌زاده و دیگران نیز با انتشار روزنامه‌های عدیده، به جریان روشنفکری کمک کردند. از آن جمله این که برای تغییر الفبای فارسی و تحولاتی در این زمینه اقداماتی به وسیله آخوندزاده و دیگران انجام شد. «در دوران سلطنت رضاشاه و در فضای فرهنگی آن دوره، توجه به سره‌نویسی و پرهیز از کاربرد واژه‌های بیگانه، به ویژه کلمات عربی و ترکی، به شکل جدی‌تری مورد توجه قرار گرفت و ناسامانیهایی که در این کار پدید آمد، باعث شد تا زمینه تشکیل یک مجمع علمی و در نهایت، فرهنگستان زبان فارسی، برای گزینش و ابداع واژگان فارسی به شکل صحیح، فراهم شود» (طرفداری، ۱۳۸۹: ۵۸). زمانی که جامعه ایران در مسیر اشتیاق و شور مشروطه‌خواهی و آرمانهای آزادی‌طلبی قرار گرفت، شاعران به دو دسته تقسیم شدند: برخی از آنان در همان موضع قبلی خود باقی ماندند؛ برخی نیز به مردم پیوستند و بر اساس تفکر و دیدگاه‌های خود از انقلاب مشروطه، با سرودن اشعاری با مضامین وطن‌پرستی و آزادیخواهی به بیداری مردم کمک کردند. افرادی مانند عارف قزوینی، میرزاده عشقی، خلیل صبری، ملک‌الشعرا بهار و ... از این گروه بودند. شفيعی کدکنی، تحولات شعر فارسی از مشروطه تا انقلاب بهمن ۱۳۵۷ را به چهار دسته تقسیم کرده است:

«الف- دوره پیش از مشروطه یعنی از اواخر صفویه تا قاجار

ب- دوره مشروطیت: از ۱۲۸۵ تا ۱۲۹۹ ش

ج- دوره فترت: دوره پس از فتح تهران توسط رضا شاه: از ۱۲۹۹ تا ۱۳۲۰ ش

د- دوره پس از جنگ دوم جهانی: از ۱۳۲۰ ش تا انقلاب بهمن ۵۷» (نقل از: آرژند، ۱۳۶۳: ۵۸-۶۲).

طی این دوران، جنبش‌های ملی و ضد ملی فراوانی پدید آمد که تأثیر مستقیم و غیرمستقیم بر ادبیات و بویژه شعر گذاشت. آنچه در این پژوهش مورد توجه است، نهضت‌های فرعی است که از بطن جنبش مشروطه برخاسته و بر فرهنگ و شعر ایران‌زمین، تأثیرات فراوانی گذاشته است. برخی از مهمترین نهضت‌های سیاسی، اجتماعی این عصر

عبارتند از: جنبش تنکابنی، سردار اسعد بختیاری، قیام ستارخان و باقرخان، فتنه میرزا کوچک خان جنگلی در گیلان، قیام شیخ‌محمد خیابانی در تبریز، فتنه کلنل تقی‌خان پسیان در خراسان، فتنه شیخ خزعل، شورش سیمیتقو، قیام مسجد گوهرشاد مشهد، شورش پیشه‌وری، نهضت ملی‌شدن صنعت نفت و ... این جنبشها و پیامدهای ناشی از آن، در شعر شاعران این عصر بازتاب بسیاری داشت و مضامین و محتوای اشعار را به کلی دگرگون کرد. هر چند برخی از این جنبشها به صورت پراکنده، در بعضی از تحقیقات، مورد بررسی قرار گرفته‌اند؛ اما تاکنون تحقیق و پژوهشی که این دوره مهم از تاریخ معاصر ایران را از لحاظ مسائل سیاسی و اجتماعی مؤثر بر شعر معاصر، بررسی و واکاوی کرده باشد، صورت نگرفته است و اهمیت این پژوهش، به دلیل اهمیت این دوره زمانی و آثار بر جای مانده آن، بدیهی و ضروری است.

یکی از اهداف این پژوهش، چگونگی بازتاب نهضت‌های سیاسی، اجتماعی این دوران در شعر شاعران شاخص آن عصر است؛ همچنین مشخص کردن ویژگیهای بارز شعر شاعران این دوره و مؤلفه‌هایی که این اشعار را از شعر سایر شعرا متمایز میکند. امید است که نتایج این پژوهش، تبدیل به منبعی مفید و مؤثر برای تحقیقات ادبی بعدی شود و راهگشای برخی ابهامات درباره شعر زمان مشروطه باشد.

پیشینه پژوهش

شاید بتوان گفت که مستشرق انگلیسی، ادوارد براون، نخستین کسی بود که به تحقیق پیرامون ادبیات دوره مشروطیت پرداخت و کتاب «تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت» (۱۳۳۲) از آثار وی در این باره است. او در این کتاب، با تکیه بر شعر شاعران مشروطه وقایع انقلاب مشروطه را بازگو میکند. این اثر به دلیل آن که مضامین و مفاهیم شعری و درونمایه‌های اشعار این دوره را بررسی نکرده است، چندان کامل و جامع نیست. از تحقیقاتی که به نحوی، با موضوع مورد مطالعه، پیوند و ارتباط دارند، میتوان به پژوهشهای زیر اشاره کرد:

- ذاکر حسین (۱۳۷۷). «ادبیات سیاسی ایران در عصر مشروطیت» این کتاب چهار جلدی از استقرار مشروطیت تا خلع قاجار، دوران بازگشت به حکومت فردی، دوران تفوق و برتری جنبشهای ملی و از واقعه ۲۸ مرداد تا پیروزی انقلاب اسلامی را در بر گرفته است.

- رواسانی (۱۳۸۰). «ملی کیست و نهضت ملی چیست؟» نگارنده در این مقاله به مسأله ملی و ملی‌گرایی پرداخته است. او عقیده دارد که از اواخر قرن نوزدهم، باید به دو نوع جریان اجتماعی، سیاسی در جامعه ایرانی توجه کرد؛ یک: جریان اصلاح‌طلب متکی بر طبقات مرفه و سرمایه‌دار؛ دو: جریان اجتماعی، انقلابی ملی، متکی بر اقشار استثمارشونده.

- شفیعی کدکنی (۱۳۸۰). «ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت» در این کتاب، به دگرگونیهای ادبیات در دوره معاصر پرداخته شده و درباره شعر فارسی در دوره قبل از مشروطیت، دوره مشروطیت، عصر رضاشاه، واقعه ۲۸ مرداد ۳۲ و اوجگیری مبارزه مسلحانه و ... بحث شده است.

- آجودانی، ماشاءالله (۱۳۸۲). «یا مرگ یا تجدد». آجودانی در این کتاب، ابتدا زمینه‌های ادب مشروطه را بررسی کرده و سپس به نظریه‌پردازان نوآور و نظریات آنان پرداخته است. او در فصول بعد نیز زمینه‌های تاریخی ادب مشروطه و درونمایه‌های شعر این دوره را بررسی و تحلیل کرده است.

- آژند (۱۳۸۴). «تجدد ادبی در دوره مشروطه» در این کتاب نویسنده، انقلاب ادبی ایران در قرن سیزدهم را با رنسانس اروپایی، مقایسه و تفاوت آنها را بررسی کرده است. این نویسنده، کتاب دیگری نیز با عنوان «ادبیات نوین

ایران؛ از مشروطیت تا انقلاب اسلامی» (۱۳۶۳) دارد که در آن نیز تحولات ادبی بین دو انقلاب، مشروطه و اسلامی، را بیان کرده است و بیشتر به حوزه نثر پرداخته است.

- امین، سیدحسن (۱۳۸۵). در مقاله «بازتاب مقاومت کلنل پسیان در شعر فارسی» از کودتای اسفند ۱۲۹۹، سقوط سیدضیاءالدین طباطبایی در دوم خرداد ۱۳۰۰ و در پی آن مقاومت کلنل محمدتقی خان پسیان، در ۱۳۰۰ ش در خراسان، سخن گفته است و بازتاب آن را در ادب فارسی، تحلیل کرده است.

- حاتمی (۱۳۸۹). در پایان‌نامه «زمینه‌ها و درونمایه‌های اجتماعی شعر دوره بیداری» به شناخت شاعران و نویسندگان بزرگ این دوره، سبک آثار ادبی و تأثیر و تأثر آثار ادبی و جامعه، شناخت زمینه‌ها و درونمایه‌های موثر و بستر ساز شعر این دوره پرداخته و مولفه‌هایی چون عناصر سیاسی و اجتماعی، پدیده‌ها و فن‌آوری نو و تأثیرات آنها در شعر این دوره، و سرانجام جهان‌بینی شاعران و دیدگاه آنان در تعامل با اوضاع سیاسی و اجتماعی را بررسی کرده است.

- مهدی‌زاده و همکارانش (۱۴۰۲). در مقاله «بررسی عناصر چهارگانه و نقش نمادین آنها در پیوند با مسائل سیاسی، اجتماعی شعر مشروطه» به بررسی عناصر چهارگانه طبیعت در شعر مشروطه پرداخته‌اند و نشان داده‌اند که در دوران مشروطه نمادپردازی، با بهره‌گیری از عناصر طبیعت در راستای توجه به مسائل سیاسی-اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است.

- ثنایی‌پور (۱۳۹۲). «بررسی و تحلیل بازتاب شکست نهضت مشروطه در شعر معاصر با تاکید بر اشعار عارف قزوینی و ملک الشعرا بهار». دانشگاه سمنان. در این پایان‌نامه به شعر دو شاعر از شاعران دوره مشروطه پرداخته شده و از این نظر با تحقیق حاضر تفاوت دارد که در آن، فقط به بررسی بازتاب شکست مشروطه در شعر این دو شاعر پرداخته شده و توجهی به دیگر شاعران و دیگر نهضت‌ها نداشته است.

همه آثار ذکر شده، به جنبه‌هایی از انقلاب مشروطه و ادبیات آن دوره پرداخته‌اند؛ اما تاکنون تحقیقی که بازتاب نهضت‌های سیاسی و اجتماعی ایران را در شعر معاصر، از زمان مشروطه تا مرداد ۱۳۳۲ بررسی کند و سبک شعری شاعران این دوره، متأثر از تحولات اجتماعی و سیاسی عصر، خاصه جنبش‌ها و نهضت‌ها را مشخص کند، صورت نگرفته است. بنابراین انجام این پژوهش با توجه به اهمیت نهضت‌های برخاسته از زمان مشروطیت، ضروری مینماید و میتواند راهگشای برخی از ابهامات، هم در زمینه شعر معاصر و هم شخصیت شاعران این دوره و حوادث سیاسی باشد.

بیان مسأله

در ایران، زمان عباس میرزا، رویدادهای مهمی به وقوع پیوست که تأثیر بسیار زیادی بر تحولات کشور داشت. یکی از این اتفاقات خجسته، اعزام دانشجویان به خارج کشور بود که تحولات علمی، فرهنگی بی‌شماری را به همراه داشت. پس از آن کم‌کم، ترجمه جای خود را در میان رجال فرهنگی ایران پیدا کرد و متون سیاسی و فرهنگی به زبان فارسی ترجمه شد. این عوامل، باعث آشنایی بیشتر ایرانیان با مفاهیم آزادیخواهی و دموکراسی شد و کیفیت و چند و چون یک جامعه آزاد را درک کردند و در نهایت برای رسیدن به این مفاهیم و برقراری آنها در جامعه خود فعالیت‌ها و مبارزات خود را آغاز کردند.

اوضاع اجتماعی، سیاسی آشفته در دوران قاجار «بحران مالی و اقدام‌های ناشایست و ناامیدانه، قرض‌های خارجی، دادن امتیازات و فساد مالی، همه و همه به نارضایتی‌های سیاسی دامن زدند و مشروعیت دولت قاجار را در اذهان

از بین بردند و به دنبال آن نخستین جرقه‌های آزادیخواهی شکل گرفت و در تهران و سایر شهرها، انجمنهای مخفی و نیمه‌مخفی تشکیل شد» (لمتون، ۱۳۶۲: ۲۱۴). از نهضت‌هایی که در این دوره برای رسیدن به اهداف مختلف اجتماعی و سیاسی شکل گرفت، جنبشها و نهضت‌های زیر است:

- جنبش تنکابنی: محمدولی خان تنکابنی، از دولتمردان عصر قاجار بود که پس از آنکه محمدعلی شاه، مجلس را به توپ بست، ولی خان تنکابنی به مشروطه‌خواهان پیوست. در سال ۱۲۸۷ قوای ملی به ریاست وی، وارد تهران شد و محمدعلی شاه به وسیله آنان خلع و مشروطه اعلان شد. وی پس از استقرار مشروطیت، سه بار به عنوان نخست وزیر انتخاب شد (ازغندی، ۱۳۸۳: ۳۰۶-۳۰۷).

- علی‌قلی خان سردار اسعد بختیاری: سردار اسعد از رجال مهم سیاسی دوره قاجار و یکی از رؤسای ایل بزرگ بختیاری بود. او فرماندهی سپاه بختیاری را به دست گرفت و به سوی تهران حرکت کرد. دو سپاه مشروطه‌خواه شمال و جنوب، به رهبری علی‌قلی خان سردار اسعد و محمدولی خان تنکابنی، در تاریخ ۱۲۸۷ شمسی وارد تهران شدند و با سرنگون کردن استبداد محمدعلی شاه، مشروطیت را دوباره برقرار کردند. (پوربختیار، ۱۳۸۷: ۱۹-۲۰).

- قیام ستارخان و باقرخان و جنبش مقاومت تبریز در سال ۱۲۸۷: جنبش مقاومت تبریز، برای اعاده مشروطیت شکل گرفت و مجاهدان به رهبری ستارخان و باقرخان، به دفاع از مشروطیت برآمدند. آنها توانستند نیروهای محمدعلی‌شاه و سربازان مستبد او را شکست دهند؛ ولی در نهایت، با دخالت روس‌ها، این جنبش به پایان رسید (فلاح توتکار، ۱۳۸۸: ۱۱۱-۱۱۴).

- قیام میرزا کوچک خان جنگلی در گیلان (۱۲۹۳-۱۳۰۰): که افراد آن دهقانان و کارگران شهری و روستایی بودند. رهبر این گروه را روحانی روشنفکری به نام یونس، معروف به میرزا کوچک، بر عهده داشت و نام آن را «کمیته اتحاد اسلامی» گذاشته بود. (فخرایی، ۱۳۵۷: ۱۴-۵۰).

- قیام شیخ محمد خیابانی در تبریز سال ۱۲۹۹: خیابانی که در دوره دوم مجلس، به نمایندگی انتخاب شده بود، حزب دموکرات آذربایجان را بازسازی و راه اندازی کرد. او در ابتدا با طرح درخواستهای مردم و نیز علیه طرح تجزیه ایران و جداسازی آذربایجان نهضت خود را آغاز کرد و سپس هدف قیام خویش را ایجاد یک حکومت دمکراتیک در کشور و برقراری آزادی اعلام کرد. (آذری، ۱۳۶۲: ۱-۵۵).

- کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹: کودتایی نظامی که به دست رضاخان و سیدضیاءالدین طباطبایی انجام گرفت - قیام کلنل تقی خان پسیان در خراسان سال ۱۳۰۰: این قیام به وسیله آزادیخواهان خراسان و به رهبری کلنل تقی خان، علیه امپریالیست‌های بیگانه و برای کسب استقلال ایران صورت گرفت. در نهایت نیز کلنل تقی خان به قتل رسید. (آذری، ۱۳۴۴: ۱-۴۹).

- فتنه شیخ خزعل: شیخ خزعل، حاکم خودمختار خرمشهر و اهواز بود. او پس از آنکه برادر خود را به قتل رساند، بر جای وی نشست و با حمایت انگلیس و ندادن مالیات، مشکلاتی را برای دولت مرکزی ایجاد کرد. شیخ خزعل در سال ۱۳۰۳ با تشکیل «کمیته قیام سعادت» با برخی از خان‌های بختیاری متحد شد؛ ولی در نهایت شورش وی، به دست رضاخان سرکوب شد (بهمنی قاجار، ۱۳۹۰: ۱۴).

- شورش سیمیتقو: اسماعیل سیمیتقو از بزرگان ایل شکاک در منطقه مرز بین ایران و امپراطوری عثمانی بود. وی برای گرفتن انتقام خون برادر خود، علیه حکمران تبریز به پا خاست؛ عده‌ای از افراد آذربایجان، ارومیه و نیروهای دولتی و عده زیادی از زنان و مردان بیگانه را کشت. (خسروزاده و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۴-۱۵).

- قیام مسجد گوهرشاد مشهد: این واقعه در تاریخ ۲۱ تیر ۱۳۱۴ اتفاق افتاد. رضاشاه پس از دیدارش از ترکیه، برخی تغییرات را ایجاد کرد. یکی از این امور، اجباری کردن کلاه شاپو بود که در مشهد و خراسان، با مخالفت زیاد مردم روبرو شد. مردم در حرم علی بن موسی الرضا (ع) و مسجد گوهرشاد تحصن کردند و با حمله حکومتیان، عده بسیاری کشته شدند.

- شورش پیشه‌وری در سال ۱۳۲۴: سیدجعفر جوادزاده، معروف به سید جعفر پیشه‌وری، نخست وزیر حکومت خودمختار آذربایجان و از نخستین موسسان حزب کمونیست ایران بود. بعد از چیرگی بلشویکها بر جمهوری آذربایجان، پیشه‌وری و تنی چند از فعالان حزب عدالت در گیلان مستقر شده، فعالیت‌های سیاسی گسترده‌ای را آغاز کردند. وی بعد از جنگ جهانی دوم، با چند تن از فعالان سیاسی آذربایجانی، فرقه دموکرات آذربایجان را تأسیس کرد (بیات، ۱۳۸۰: ۹۶۳-۹۶۴).

- نهضت ملی شدن صنعت نفت، اسفندماه ۱۳۲۹

- قیام سیم تیر ۱۳۳۱: دکتر مصدق خواهان انتقال وزارت جنگ به دولت بود که با مخالفت شاه روبرو شد. این مسأله باعث شد که مصدق، از نخست وزیر استعفا دهد. مجلس، قوام السلطنه را به نخست‌وزیری انتخاب کرد و همچنین خواست که آیت الله کاشانی را با خود همراه کند؛ ولی ایشان قانونی نبودن حکومت قوام را اعلام کرد. بامداد ۳۰ تیر تمام خیابانها به وسیله سربازان مسلح، اشغال شده بود. مردم با فریاد «یا مرگ یا مصدق» خواهان بازگشت مصدق بودند و در این درگیریها تعدادی از مردم به شهادت رسیدند و در نهایت دوباره دولت به مصدق بازگردانده شد (امین، ۱۳۸۳: ۲۹-۳۱).

- واقعه ۲۸ مرداد ۱۳۳۲: در پی این واقعه مصدق، نخست‌وزیر ایران عزل شد و سرلشکر زاهدی به جای وی نشست.

بنیان نظری پژوهش

ادبیات و خصوصاً شعر، همیشه در بزنگاههای سخت سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، در بطن حادثه حضور داشته و در روزگار نابسامان و پر تنش بیش از همیشه نقش خود را در جامعه ایفا میکند. این بار نیز شعر، راوی بی‌ادعای حوادث جامعه بود و زبان گویای مردم. در واقع زمانی که جنگ جهانی اول به پایان رسید، ایران در آستانه ازهم‌گسیختگی و فروپاشی بود. در دوران جنگ، دخالت‌های انگلستان و روسیه، در امور ایران بقدری افزایش یافته بود که مناطق جنوب، جنوب‌غرب و شمال کشورمان را اشغال کرده بودند.

آلمان نیز اگرچه نیرویی در ایران نداشت ولی کنسولگریهای آن در شهرهای بزرگ و به ویژه تهران، تلاش زیادی میکرد که مردم را علیه انگلیس و روس تحریک کند و در این کار نیز تا حدودی موفق بود؛ زیرا زمانی که جنگ شروع شد اغلب مردم طرفدار آلمان بودند و بسیاری از بزرگان ایران، عقیده داشتند که ایران باید به متفقین اعلان جنگ کند. در این حال، برخی شاعران نیز همزمان با دیگران، جانبداری خود از آلمان را در اشعارشان بازگو کردند و از آن جمله ملک‌الشعرا بهار، وحید دستگردی، ادیب پیشاوری و ... را میتوان نام برد. بهار قصیده‌ای ستایش‌آمیز برای آلمانیها سرود که مطلع آن چنین است: «قیصر گرفت خطه ورشو را / درهم شکست حشمت اسلو [اسلاو] را / جیش تزار را / یورشش بگسیخت / چون داس باغبان علف خو را . . .» (بهار، ۱۳۸۷: ۷۶). وحید دستگردی از جانبداری آلمانیها هم فراتر رفت و مسأله هم‌نژادی مردم ایران و آلمان را پیش کشید (ن.ک: دستگردی، نقل از کسروی، ۱۳۷۶: ۴۰). ادیب پیشاوری نیز دوازده قصیده در ستایش آلمان و قیصر سرود (ن.ک: همان ۴۲).

همه این وقایع، مصداق آن است که شاعران در بحرانهای مختلف اجتماعی و سیاسی، بی‌تفاوت نبوده و نیستند. آنان با ابراز عقاید خود در اشعارشان، باعث تهییج و تشویق مردم به راه و مکتب خاصی میشوند. در جنبشها و

نهضت‌های ملی نیز چنین بود. هر قیام و نهضتی که رخ میداد، برخی از شاعران به جانبداری و یا علیه آن نهضت، شعرهایی میسرودند و باورها و عقاید خویش را در قالب شعر ریخته به مردم تزریق میکردند. بررسی این اشعار از جنبه‌های مختلف به شناخت بیشتر این شاعران و جامعه آن روز کمک میکند. به علاوه جایگاه شعر و شاعران در این حوادث روشن خواهد شد.

برانگیختن مردم به مبارزات آزادیخواهانه

- دعوت مردم به مبارزه با استفاده از شگردهای بیانی

درونمایه غالب بر اشعار بررسی شده، بیش از همه شامل دعوت به مبارزه، برانگیختن شور و شوق و امیدواری در مردم و تشویق آنان برای تغییر اوضاع کشور است. به طور کلی «درونمایه اصلی این اشعار مربوط به حوادثی بود که با حیات جمعی مردم ارتباط داشت» (کریمی، ۱۳۸۴: ۱۸۴). آزادیخواهی و مبارزه با استبداد، پیام اغلب شاعران بود و آنان با سرودن شعر به تحولات و جنبشهای ملی کمک شایانی می‌کردند. به عنوان مثال، صادق سرمد، در زمان فتنه پیشه‌وری، شعر بلندی را سروده و در پایان شعر خود، مردم را به وحدت و دوری از اختلافات فرامیخواند. او عقیده دارد که هر یک از افراد جامعه باید پرقدرت و توانمند شوند و در مقابل ظلم دشمن بایستند، وگرنه طعمه قوی‌تر از خود میشوند و به نابودی محکومند: یا قوی شو یا حذر کن از حریم اقویا/ ورنه طعمه فره‌بان گردی به جرم لاغری/ روز روز وحدت است و دور دور اتفاق/ اتفاق آری اساس یاری است و یآوری» (سرمد، ۱۳۴۷: ۱۱۳-۱۱۶)

زمانی که قوام به جای مصدق بر مسند نخست‌وزیری نشست و سپس با مخالفت مردم مجبور شد منصب خود را ترک کند، محمدعلی افراشته، که یکی از شاعران توانمند این دوره از تاریخ ادبیات است، شعری را سرود که لحنی طنزآمیز و فکاهی دارد و با همین زبان ساده، مردم را به ادامه مبارزات فرامیخواند و برای این که شاه و قوام را به کیفر اعمالشان برسانند، آنها را تشویق و راهنمایی میکند تا از پاننشینند و جازننند: «فتنه‌ها زیر سر دربار است/ نقشه‌کش، شخص بت عیار است/ این کثافات از آن انبار است/ ملت ای ملت با هشیاری/ بنما حل همه دشواری» (افراشته، ۱۳۵۷: ۱۹۲). شاعر در ادامه، اصطلاحات کوچه‌بازاری رایجی را که در زبان روزمره مردم وجود داشته، رای گفتگو با آنان به کار میبرد و در عین حال، به مردم نیز هشدار میدهد که اگر کار از کار بگذرد و آنها در انجام وظایفشان سهل‌انگاری و سستی کنند، باعث پشیمانی و ضرر برای خودشان خواهد شد. «شل آمدن، سخت شدن، موش از سوراخ درآوردن، خودت میدانی» ترکیبات عامیانه‌ای است که در اینجا به کار گرفته است: «ملت ای ملت با همت شیر/ شل نیا، سست نشو، سخت بگیر/ یک‌کمی سستی اندک تأخیر/ ضررش را نبود جبرانی/ باقی‌اش را تو خودت میدانی/ ملت این‌قدر مشو سهل‌انگار/ موش را از توی سوراخ درآر/ پیش افکار عمومی بگذار» (همان)

عبدالعلی ادیب‌برومند برای برانگیختن مردم و تشویق آنان به مبارزه علیه فساد و ظلم، به مذهب متوسل شده است. او با یادآوری وظیفه دینی هر مسلمان، مخاطبش را در شرایطی قرار میدهد که از لحاظ شرعی، مبارزه برای آزادی را مسئولیت و «فرض ایمانی» هر یک از ایرانیان و مسلمانان میداند: «کنون مجادله با جابران کافرکیش/ بود وظیفه دینداری و مسلمانی/ کنون قیام جماعت به راه حق جوئی/ یگانه شرط حیات است و فرض ایمانی» (ادیب برومند، ۱۳۹۱: ۲۵-۲۸).

– استفاده از باورهای فرهنگی

باورهای فرهنگی شامل باورها و عقایدی است که مردم در طول زمانهای گذشته داشته‌اند و نسل به نسل به آیندگان رسیده است. مانند: ضرب‌المثلها، احادیث و سنتهای دینی، ادبیات عامه و... شاعران همواره از باورهای فرهنگی برای اثربخشی بیشتر بر خوانندگان استفاده می‌کنند. در دوره تاریخی مورد بحث ما نیز شاعران از این ابزار برای رسیدن به اهداف خود، که همان برانگیختن مردم برای پیوستن به جنبشهای اجتماعی و سیاسی بود، بهره می‌گرفتند؛ مثلاً زمانی که قیام برای ملی شدن صنعت نفت گسترده‌تر می‌شود، محمدعلی افراشته در شعری بلند، با مخاطبانش به زبانی عامیانه سخن می‌گوید و خیانت بیگانگان خصوصاً انگلیسی‌ها را با گفتار کوچه و بازار، برای مخاطبش آشکار میکند تا آنان به درستی این راه و پیوستن به گروه مبارزان اطمینان حاصل کنند. وی در این شعر از ضرب‌المثل نیز بهره می‌گیرد و با تکیه بر باورهای مخاطب، تأثیر بیشتری بر او می‌گذارد. او از اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های معروفی مانند: «نان کسی را آجر کردن»، «چیزی را سگ‌خور کردن»، «سگ زرد برادر شغال است» استفاده کرده تا چهره واقعی بیگانگان و به‌ویژه خبثت انگلیسیها را به مردم نشان دهد و چون مردم با این اصطلاحات و مثلها آشنایی کامل دارند، به طور کامل منظور شاعر را دریافت می‌کنند و به آنچه او می‌گوید ایمان می‌آورند. علاوه بر این، شاعر لحنی عامیانه دارد و واژه‌های به کار رفته در شعر، متناسب با شرایط خواننده که مردم عامی هستند، به کار رفته است. چند بیت از این شعر چنین است: «به خیالش که به افسون‌سازی/ با کلک‌بازی و دلال‌بازی/ نان ملت را آجر بکند / نفت ایران را سگ‌خور بکند/ خیر آقای هریم باشی/ هم خودت ناشی و آفات ناشی/ برو یک‌راست سر جای خودت/ عرض کن خدمت آقای خودت/ انگلیس و تو به هر صورت و حال/ سگ زرد است بنی‌عم شغال» (افراشته، ۱۳۵۷: ۵۸۹)

«کلک‌بازی»، «دلال‌بازی»، «سرخر»، «بزخو کردن» و... اصطلاحات عامیانه‌ای است که شاعر به کار برده است و بدین طریق مخاطب را با آنچه از کودکی در جامعه و اطرافیان شنیده و با آن آشناست، به سوی هدف مورد نظر خود میکشاند: «سگ و شغال به هم ساخته‌اند/ هردو تا سخت به ما تاخته‌اند/ سگ و شغال دو تا پو کردند/ بر سر نفت تو بزخو کردند/ چون که دلال پدید آمده است/ با دو صد وعد وعید آمده است/ آمد اینجا سرخر آورده / طوق و زنجیر دگر آورده» (همان)

ملک‌الشعراى بهار نیز به سنت دیرینه مسلمانان برای ترحیم و برگزاری مجلس ختم افراد درگذشته اشاره کرده و می‌گوید: این رسم و سنت، که برای فرد متوفی مجلس ترحیم برگزار کنند، همیشه بین مسلمانان وجود داشته و دارد؛ اما دشمنان اجازه ندادند برای خیابانی مجلس ترحیم برگزار شود. شاعر بدین وسیله مردم را آگاه میکند تا بدانند با چه کسانی روبرو هستند و به چه علت باید با آنها مبارزه کرد: «جمعی پی ترحیم خیابانی مظلوم/ اجلاس نمودند نجیبانه درین بوم/ رسم است که چون مرد مسلمان، پی ترحیم/ قرآن به دعا ختم کند امت مرحوم/ جز آنکه مسلمان نبود یا که نباشند/ حکام مسلمان و مسلمانی مرسوم/ چون مرده مسلمان بود و زنده مسلمان/ از ختم و عزا منع حرام آید و مذموم/ این بلعجی بین که به جدّ حمله نمودند/ بر مجلس ترحیم خیابانی مظلوم/ بستند ره آمد و شد را به رخ خلق/ و ابداع نمودند ز نو قاعده‌ای شوم/ غافل که ازین حرکت مذبوح، نگردد/ آزادی معدوم و ستمکاری مکتوم» (بهار، ۱۳۸۷: ۲۷۳)

ابیات زیر بخشی از شعری است که بهار برای قاتلان خیابانی گفته است و آنها را تشبیه به گربه زاهد کرده که مانند مهمان به تبریز وارد شدند و احترام صاحبخانه را نگه نداشتند و به خانه او تاختند و سرش را از تن جدا کردند. در بخش کوتاه زیر از این شعر بلند، دو ضرب‌المثل استفاده شده و از آنجا که شاعر می‌خواهد دشمنان را

بسیار متجاوزگر و هتاک به حریم خیابانی نشان دهد، برای مردم با بیانی عامیانه و ساده سخن میگوید و آنها را نسبت به آنچه اتفاق افتاده، بیدار و هشیار میکند:

«در یوزه‌گری کوفت درصاحب‌خانه/ وانگاه برفت از اثر صاحب‌خانه/ از کثرت تلبیس وریا کرد به خود جلب/ چون گربه عابد نظر صاحب‌خانه/ از بهر گدائی شد و چون خانه تهی دید/ بگرفت به حجت کمر صاحب‌خانه/ دژخیم خیابانی از این قسم به تبریز/ وارد شد و شد حمله ور صاحب‌خانه/ با آنکه در افواه عوام است که مهمان/ من باب مثل هست خر صاحب‌خانه/ این نره خران لگدانداز شتر کین/ جستند به دیوار و در صاحب‌خانه/ در خانه احرار شدند، از ره اصرار/ مهمان و بریدند سر صاحب‌خانه» (بهار، ۱۳۸۷: ۲۷۱-۲۷۳).

– توجه به شخصیت‌های اساطیری

یکی دیگر از شیوه‌ها و ابزارهای که شاعران این عصر، برای برانگیختن مردم و آوردن آنان به صحنه سیاسی و مبارزه از آن استفاده کرده‌اند، تکرار مضمونهای اسطوره‌ای و باستانی در شعر است. شاعران در دوره‌های مختلف تاریخی، بازخوردهای گوناگونی نسبت به شاهنامه و پیشینه ملی ایرانیان نشان داده‌اند و شخصیت‌های اساطیری ایران‌زمین را ستوده و تحسین کرده‌اند؛ اما در عصر مشروطه و دوره معاصر که نهضتها و جنبشهای ملی و میهنی بسیاری روی داد، شاعران، بیش از گذشته به اساطیر و پیشینه باستانی مردم و کشورمان دلبستگی نشان دادند و این دلبستگی را به شکلهای مختلف در اشعار خود منعکس کرده‌اند. دلایل زیادی برای چنین اتفاقی می‌توان ذکر کرد. یکی از مهمترین این دلایل، یادآوری صلابت و شجاعت نژاد ایرانی به مردم مبارز بود.

وقتی مردم در سختترین شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی قرار داشتند، جنبشها یکی پس از دیگری رخ می‌داد و با آتشی که افروخته بود، در نهایت با مرگ رهبر جنبش و یا شکست همراهانش، به پایان میرسید، تنها راه حفظ امید و انگیزه در قلب مردم، اشاره به پیشینه ملی فاخر ایران بود. مردم از شرایط سخت خود ناراضی بودند و در فقر و احتیاج روزگار می‌گذراندند. به همین دلیل، انگیزه زیادی برای بدست آوردن آزادی و حقوق سیاسی خود نداشتند. شاعران با یادآوری جلال و شوکت ایرانیان قدیم، مردم را به شور و وجد می‌آوردند تا برای دستیابی به حقوق مسلم خود از جایشان برخیزند. به عنوان مثال احمد بهمنیار، در زمان مبارزات کلنل تقی‌خان پسیان، او را به شاهان باستانی تشبیه میکند و مردم را با این نوع اشعار به صحنه مبارزات و حمایت از کلنل فرامیخواند. او مردم را فرامیخواند تا برای پاس‌داشت میهن خویش از دست متجاوزان به پا خیزند و آنان را به فریب و نیرنگهای دشمنان هشدار میدهد. بهمنیار، برای این که ارج و جایگاه وطن و سرزمین ایران را برای مردم تشریح کند و آنان را مجاب نماید، از این کشور با نام: کشور داریوش، زادگاه کوروش و آبتین و نیز شاهان قدرتمند اساطیری یاد میکند و میگوید: سزاوار نیست سرزمینی که چنین پهلوانانی را در خود پرورش داده، عرصه جولان دشمنان زبون ایران باشد: «ایدون ایرانیان! به دانش آید هوش/ باز نمایید چشم گشاده دارید گوش/ برآورید از جگر به نام ایران خروش/ که بسته دشمن طمع به کشور داریوش/ نهاده دام فریب هم از یسار و یمین/ کشور ما قرن‌ها بزیست با فرّ و جاه / پرچم اجلال او سود سرمهر و ماه/ فزون ز انجم بدش گنج و سلیح و سپاه/ تاجوران پرورید زینت دیهیم و گاه/ چو کورش و داریوش چو زاده آبتین» (بهار، ۱۳۷۷: ۵۵۸-۵۶۰).

در بیت زیر نیز شاعر، کشور را با نام «ملک فریدون» میخواند: «هزار حیف که اسب وطن بی‌افسار است / زمام ملک فریدون به دست اغیار است» (خلیل صبری، نقل از ذاکر حسین، ۱۳۷۷: ۴۵). یکی از تشبیهات رایج در این نوع اشعار، تشبیه فرمانده یک سپاه و یا رهبر یک جنبش به یکی از شخصیت‌های اساطیری است؛ به نظر میرسد این نوع تشبیه، بسیار تأثیرگذار و پرتعداد نیز بوده است. مثلاً در ابیات زیر، میرزا کوچک خان به پسر کاوه و نیز به «اسماعیل ثانی» تشبیه شده است: «داستان شارل و ناپلئون و ویلهلم و سکندر / قصه پاریس و نروژ خاک یونان دشت ژرمن / کهنه شد ای پور پاک کاوه، اسماعیل ثانی / خیز از جا ریشه اعداء دین از بیخ برکن» (نقل از فخرایی، ۱۳۵۷: ۳۲۸).

گاهی نیز شاعر از یک تشبیه ساده فراتر رفته و جاه و جلال این رهبران سیاسی را از قدرت پهلوانان باستانی بیشتر می‌انگارد؛ مانند مثال زیر که در آن، تخت و تاج پادشاهان باستانی و خسروان قدرتمند گذشته، در برابر فرّ و جبروت میرزا کوچک خان و اقوام جنگل هیچ شمرده شده: «اورنگ خسروانی دیهیم باستانی / محوند نزد فرّ و جاه و جلال جنگل» (دهقان، ۱۳۲۶: ۹۱). میتوان گفت: «برجسته‌ترین انگیزه‌های شاعران این عصر در گرایش به ایران باستان، احیای هویت ملی، خوشبینی افراطی نسبت به ایران باستان، التیام احساس حقارت در برابر بیگانه، اسلام-ستیزی، انتقاد از اوضاع و احوال عصر، تحریک غرور ملی و شکست‌ناپذیری است» (زارع و نیکوبخت، ۱۳۸۶: ۱۵۱). نمونه‌های دیگری از این ابیات در زیر می‌آید: «زاده رستم نیویم و به پولادین چنگ / پهلوان کوب و دل‌آشوب چو رویینه‌تنیم / ریشه وحدت ما سخت قوی باد که ما / شاخساران برومند درخت کهنیم / به نگهبانی بنگاه جم و آرش و طوس / همچنان گیو خروشنده به جنگ پشنیم» (ادیب برومند، ۱۳۹۱: ۴۰). بهار نیز ابتدا از اسفندیار و خشایار شاه و قهرمانی آنان سخن میگوید و گریزی میزند به اساطیر تا شخصیت مبارز «سردار اسعد» را به این شخصیت‌های اساطیری و باستانی پیوند زند و قیام و مبارزات او را برای مردم تشریح کند. هدف او این است که سردار اسعد را به این دلیل که با جان و دل به مردم خدمت میکند، بستاند: «خبر دهند که اسفندیار بر در گنگ / چگونه برد سپاه و چگونه راند حشر / چگونه برد خشایارشا سپه به اروپ / چگونه کرد از آن تنگنای بحر گذر / .. بین که این هنری مرد در زمانه چه کرد / ز جهد و کوشش و تدبیر و هوش و رای و فکر / چو مرد رای فزونی به نفع خویش کند / شگفت نیست اگر بر فلک فرازد سر» (بهار، ۱۳۸۷: ۱۴۳-۱۴۶).

شاعر دیگری به نام صلح‌خواه نیز از این شیوه برای اقناع مخاطبانش بهره گرفته است. علاوه بر این، از ترفند بکارگیری جملات پرسشی نیز سود جست: «ما نه فرزندان سیر و سیم و نسل داریوش؟ / بر جهان خود را شناسانیم باید حالیا / ما نه آن ایرانی گردیم کاندل روز رزم؟ / در همه گیتی نیاسودی دلی از بیم ما / .. / آن زمان در آسیا ما پادشاه بودیم، لیک / این زمان چون گندمی بین دو سنگ آسیا» (صلح‌خواه، ۱۳۷۰: ۲۵۵-۲۵۶).

گاهی برخی شاعران، مخالفان و دشمنان آزادی را هم به تبعیت از شخصیت‌های اساطیری، با نام‌های ضدقهرمانان اسطوره‌ای خطاب می‌کنند. اگر قهرمانانی مانند سردار اسعد و ستارخان، به جمشید و اسفندیار و رستم مانند میشوند، دشمنان این کشور نیز به ضحاک خونخوار تشبیه میشوند و کاوه آهنگر را در برابر آنان قرار میگیرند و این نوع خطاب کردن آنان، باعث نفرت بیشتر مردم نسبت به دشمنان خواهد شد. چنان که در فتنه پیشه‌وری شاعر چنین سروده است: «ضحاکیان مرکزی بیرون برند از حد ستم / تا سر برآرد کاوه حداد آذربایجان» (شهریار، ۱۴۰۰: ۲۴۵).

تحسین و ستایش رهبران نهضتها یا دیگر مبارزان

تحسین و ستایش رهبران جنبشها و نهضت‌های ملی، از طرف شاعران اغلب از طریق بیان ویژگی‌های اخلاقی و خدمات آنان به مردم نمود پیدا کرده است. شاعران در بیشتر اوقات با بیان ویژگی‌های رهبر مبارزان و خدمات وی، مردم را با شخصیت فاخر او آشنا میکردند و در واقع با این کار، واسطه‌ای میشدند میان آنان با مردم. چنان که ملک‌الشعراى بهار در ستایش سپهدار اعظم، ولی‌خان تنکابنی، شعر بلندی را سرود که در آن از سپهدار اعظم نام برد و با گفتن خصوصیات و ویژگی‌های وی و همچنین خدماتی که برای ملت و کشور ایران انجام داده است، او را ستود. وی در توصیف سپهدار اعظم می‌گوید: او برای خدمت به مردم، همه گونه سختی و زیان را بر خود میپذیرد و این نشان از سرشت پاک و مطهر وی دارد: «... بین که این هنری مرد در زمانه چه کرد / ز جهد و کوشش و تدبیر و هوش و رای و فکر/ به قصد خدمت ملت به قصد یاری نوع/ همی به خویش پسندد هزار گونه ضرر/ به آن امیر مظفر سپهبد اعظم/ که آسمان فتوح است و آفتاب ظفر/ اگر به منظر گوئی ستوده منظر او/ نشان نیکی طبع است و پاکی مخبر/ اگر به همت گوئی دلیل همت اوست/ هر آنچه بینی و دیدی به سالیان اندر/ اگر به دولت گوئی به نام دولت او/ یکی ره طبرستان سپار و نعمت بر/ به هر که بنگری اندر شمال ایران شهر/ همه به درگاه میرند بنده و چاکر/ ز جان و دل همه این میر را پدر خوانند/ هزار تحسین بر این بزرگوار پدر...» (بهار، ۱۳۸۷: ۱۴۳-۱۴۶)

نمونه دیگر، تشبیه خیابانی به گوهر گرانبهائی است که به گفته شاعر در کشور ایران، تنها یک نمونه از آن موجود است و با وجود این گوهر، کشور هرگز نابود نمیشود: «نمیراد هرگز چنین کشوری/ که میپرورد در دلش گوهری» (آگاه، نقل از آذری، ۱۳۶۲: ۲۸۷-۲۸۸). شاعر دیگری نیز از ویژگی‌های شیخ محمد خیابانی و بیان نقاط قوت وی میگوید: او در هنگام سخن گفتن مانند اژدهای خشمگین و خروشان است و با بیانی شیوا و صدایی رسا سخنرانی میکند. شفای دل‌های دردمندان است و بلای جان مستبدان و خائنان: «به گاه سخن اژدهای دمان/ بلند آسمان ناطق خوش بیان! / شجیع و فقیه و اصیل و نجیب/ امین و شکیب و ادیب و اریب/ درخشنده چون اختر آسمان/ شفافبخش دلهای پیر و جوان/ به هوش و خرد ثانی بوالعلاء/ به آزادگی بر همه مقتدا / بلای تن خائن و مستبد / به تشبیه کاخ عمل مستعد/ خصالش فزونتر ز حد و حساب/ درخشان و روشنتر از آفتاب/ بیانش به شیرینی انگبین/ به کلک سیاسی چو سحر مبین» (آگاه، نقل از آذری، ۱۳۶۲: ۲۸۷-۲۸۸).

درباره ستارخان و باقرخان نیز ملک‌الشعراى بهار به همین ترتیب عمل کرده است و آنان را به رشادت‌ها و حق‌طلبی‌هایشان ستوده است. طرز بیان و لحن در این شعر تا حدودی حماسی است و شاعر با به کار گرفتن این شیوه بیان، به تحریک و تشویق مردم پرداخته تا راه ستارخان و باقرخان را تنها راه درست و حقیقی بدانند: «ای شیردل ای دلیر ستار/ سردار مجاهدان تبریز/ ای بسته میان به فرّ دادار/ در حفظ حقوق عزت‌آمیز/ ای ناصر ملت ای سپهدار/ ای از ره جور کرده پرهیز/ ای باقرخان راد سالار/ بر خرمن جور آتش‌انگیز/ ای مصمص ای بزرگ سردار/ آب دم تیغ آتش تیز/ همدست شوید جمله احرار/ تا پای کشد عدوی خونریز» (بهار، ۱۳۸۷: ۱۳۳-۱۳۵) زمانی که ستارخان در تهران تیر خورد و یک پای او مجروح شد، بهار این رباعی را سرود: «ستار غیور ارجمندیت بجاست/ قانون‌طلبی و حق‌پسندیت بجاست/ از صدمت پا منال و کوتاهی گام/ خوشبخت نشین که سربلندیت بجاست» (همان: ۲۳۳)

در بررسی اشعاری که برای نهضت پسیان سروده شده، چنین برمی‌آید که مهمترین ویژگی مثبت کلنل تقی‌خان پسیان، استقلال عمل وی در امور مربوط به مردم و ژاندارمری بود. یکی از کارهای بزرگی که او انجام داد، این بود که وقتی میدید رده‌های بالای مملکت همه فاسد و خیانتکار هستند، ژاندارمری محل خدمت خود را شخصا اداره

می‌کرد و برای انجام اصلاحات و سروسامان دادن به اوضاع کشور، از همان منطقه خودش شروع کرده بود و آوازه عدالت‌ورزی و درستکاری او هم در همه‌جا زبانزد شده بود. علی‌آذری در این‌باره چنین می‌گوید: «چو دیده مرکزیه را همه دزد/ خیانت کرده و برداشته مزد/ ز مرکز رشته طاعت گسسته/ کمر شخصاً به اصلاحات بسته/ یکی ژاندارمری برپا نموده/ که دنیا را پر از غوغا نموده» (آذری، ۱۳۴۴: ۲۹۱).

فروزانفر نیز در ستایش شخصیت دکتر مصدق، در یک قطعه کوتاه، مصدق را مردِ مردان میدان و می‌گوید او تنها کسی است که با دیو و اهریمن سیاه صادقانه می‌جنگد و در دلش جز دوستی و عشق وطن چیزی نیست. فروزانفر این شعر را در سال ۱۳۳۲ و در آستانه ۲۸ مرداد سروده است: «ای مصدق ثنا سزااست تو را/ همت اندر خور ثناست تو را/ زانکه زین سرزمین بحول الله/ دست بیگانه از تو شد کوتاه/ نفتخواران حيله آور پست/ رشته چاره‌شان ز تو بگسست/ راستی را که مرد مرد تویی/ زانکه با دیو در نبرد تویی/ سخنی مختصر بگویم من/ در دلت نیست جز که حب وطن» (فروزانفر، بی‌تا: ۳۵).

ایرج میرزا، کلنل محمدتقی خان را با توصیفات زیر به خواننده معرفی می‌کند: همت و آزادی در این کشور تنها از وجود تو سرچشمه می‌گرفت و عدالت و آزادی را مردم از تو یاد گرفتند: «نظام ما، فقط از همت تو دایر بود/ بیا ببین که چه بعد تو با نظام کنند؟/ مرام تو همه آزادی و عدالت بود/ پس از تو خود همه ترویج این مرام کنند/ کسان که آرزوی عزت وطن دارند/ پس از شهادت تو آرزوی خام کنند/ خدا نخواست که این مملکت شود آباد/ وطن پرستان بیهوده اهتمام کنند» (ایرج میرزا، ۱۳۹۷: ۱۸۹).

احمد بهمنیار، کلنل محمدتقی خان پسیان را چنین توصیف می‌کند: او کسی است که از رخ زیبای عدل، پرده را کنار زد و حق و عدالت را در کشور اجرا کرد. وقتی برای جنگ با دشمنان آماده میشد، آنها از ترس بر خود می‌لرزیدند. با وجود وی، خاک خراسان رونقی دیگر گرفت و به سوی روشنی و فرخی و شادی پیش رفت. تا جایی که اهل خراسان چنین حکومت عدالت‌گستری را به یاد ندارند: «از رخ زیبای عدل نمود یکسر حجاب/ مفتخوران را کشید یک یک زیر حساب/ به قصد پیکار خصم چو کرد پا در رکاب/ زهره یغماگران ز هیبتش گشت آب/ وز جگر طاغیان به چرخ بر شد انین/ خاک خراسان از او رونق دیگر گرفت/ فرهی و خرّمی ز فر داور گرفت/ جز دل غارتگران نماند قلبی حزین/ دوره امنیتی زین‌سان پر عدل و داد/ کس ز خراسانیان نداشت هرگز به یاد/ چو کلنل سائسی بخرد والانژاد/ در این قرون اخیر مادر ایران نژاد» (بهمنیار، نقل از ذاکر حسین، ۱۳۷۷: ۵۵۸-۵۶۰).

گاه تحسین و ستایش شاعران، به‌جز رهبران و مبارزان، شامل مردم نیز می‌شود. یعنی شاعر در مقام ستایش و ثنای مردم، از آنها تعریف می‌کند و در اشعارش، از کارهایی که انجام داده‌اند حمایت می‌کند. در همه این نهضتها و قیامهای اجتماعی و سیاسی، مردم یک‌طرف دیگر مبارزات بودند و حمایت آنان یا مخالفتشان نسبت به یک قیام یا جنبش، تأثیر فوق‌العاده‌ای در پیروزی و شکست آن جنبش داشت. مثلاً محمدعلی افراشته، یکی از شاعرانی است که مردم را می‌ستاید و آنها را دارای عزم و اراده‌ای می‌داند که با وجود داشتن عقاید سیاسی متفاوت با یکدیگر، در سیام تیر، یکدل و یک‌جان دست به دست هم دادند و به پیروزی دست یافتند. در آن زمان با دادن خونهای بیشمار عزیزانشان، کوتاه نیامدند و تا آخرین لحظه در مقابل دشمن ایستادگی کردند. صفات نیکویی که در شعر افراشته، برای مردم ذکر شده، یکدلی و اتحاد آنان در شرایط سخت سیاسی است؛ همچنین عزم و اراده آهنین آنان که لازمه ایستادگی و مبارزه است: دیده‌ای عزم ملت ایران/ از چپ و راست مردم تهران/ عضو هر حزب و فرقه یکدل و جان/ خرد کردند پوزه ات را زود/ که درآمد ز مغز پوکت دود/ دیدی از دیو خونخور و دژخیم/ ملت ما اراده و تصمیم/ داد قربانی و نشد تسلیم/ کوری چشم دشمنان ملت/ جاودان باد قهرمان ملت» (افراشته، ۱۳۵۷: ۱۹۷).

ذمّ و تحقیر رهبر یکی از احزاب یا دشمنان آنها

بهار در قصیده بلندی با مطلع «شد به اقبال شهنشه ختم کار جنگلی/ جنگل از خلخال و طارم امن شد تا انزلی» میرزا کوچک‌خان را شخص خودسری میداند که به غارتگری و تاراج کشور پرداخته است: «دولت دزدان جنگل سخت مستعجل فتاد/ دولت دزدی بلی باشد بدین مستعجلی/ بهر یغمای ولایت خواب‌ها دیدند ژرف/ آن یکی طهماسب‌شه شد آن دگر نادرقلی/ پاس ملت را میان بستند و شد باری ز سیم/ کیسه ملت تهی صندوق آنان ممّتی/ هرکرا بر تن قبا دیدند کردند آن قبا/ هرکرا در بر حلی دیدند بردند آن حلی/ دین پژوهی را نباشد نسبتی با رهزنی/ رهزندی را نیاید راست دعوی با شلی/ راست ناید ملک‌داری هیچ‌گاه با خودسری/ برنتابد دادخواهی هیچ‌گاه با جاهلی» (بهار، ۱۳۸۷: ۲۶۵).

همچنین ملک‌الشعراى بهار، خاندان مشیرالدوله را بازخواست میکند و آنان را باعث ویرانی کشور میداند. آنها که اکنون اختیار برخی از امور مملکت را به دست گرفته‌اند، با خطاها و اشتباهات و ندانمکاری‌های خود، به سرگشتگی و نابسامانی اوضاع دامن زدند و همانطور که پدرانشان، از ویرانی کشور سود بردند، اینان نیز آزادی و آزادی ملت را پایمال کردند و در جهت منافع خود پیش رفتند. بهار با لحنی تند و با ناراحتی به این افراد چنین می‌گوید: «ای قاتل آزادی ایران به حذر باش/ زان لحظه که قاضی به سر محضر آید» (بهار، ۱۳۸۷: ۲۷۱). این بیت یکی از زیباترین ابیات ملک‌الشعراى بهار است که در نهایت بلاغت و شیوایی سروده شده و بسیار تأثیرگذار است. شاعر، همچنین از این خاندان به دلیل حق‌کشی و برادرکشی گلایه دارد و از این که خیابانی و دیگر مبارزان و دلاوران را به کام مرگ فرستادند، غمگین و شاکی است: «در دست کسانی است نگهبانی ایران/ کاصرار نمودند به ویرانی ایران/ آن قوم، سرانند که زیر سر آنهاست/ سرگشتگی و بی‌سروسامانی ایران/ الحق که خطا کرده و تقصیر نمودند/ این سلسله در سلسله‌جنابانی ایران/ در سلطنت مطلقه چندی پدرانشان/ بردند منافع ز پریشانی ایران/ کشتند بزرگان را و ایقا نمودند/ بر شیخ حسین و به خیابانی ایران...» (بهار، ۱۳۸۷: ۲۷۱-۲۷۳).

عارف قزوینی نیز، ضیاءالدین را مسبب مرگ کلنل می‌داند و او را ملامت می‌کند و با تشبیه کردن وی به زنان، به توهین و تحقیر وی می‌پردازد. او ضیاءالدین را به سگی تشبیه کرده که با دیدن استخوان ساکت میشود و آرام می‌گیرد؛ زیرا ضیاءالدین فقط برای رسیدن به مقام و منصب دنیوی به جنگ با کلنل پرداخت. در آخر نیز می‌گوید: منتظر باش که آسمان و دنیا، انتقام خواهد گرفت و تو را به سزای اعمال می‌رساند: «ضیاء دیده روشندان توئی و حسود/ چو موش کور ز خود کی توان عنان گیرد/ چه غم ز هرزه‌درایی و گویی، از آن/ که سگ سکوت ز یک مشت استخوان گیرد/ قوام سلطنت این دور دور توسست بکن/ که انتقام از این دور آسمان گیرد/ پس از شهادت کلنل گمان مبر عارف/ سکون گرفته و در یک مقر مکان گیرد» (عارف‌قزوینی، ۱۳۴۲: ۲۴۱-۲۴۲).

مضمونی که در اغلب اشعار مربوط به واقعه سی‌تیر ۱۳۳۲ وجود دارد، هجو و ذمّ و بدگویی از «قوام‌السلطنه» است. قوام‌السلطنه وقتی به جای مصدق نشست، خشم مردم برانگیخته شد و در پی کشتار فجیعی که به راه افتاد، همه او را مسبب قتل هزاران جوان بی‌گناه میدانستند. بدین ترتیب شاعران نیز در اشعارشان به این موضوع اشاره کرده و آشکار و پنهان، از وی بدگویی میکردند. شعر زیر از ارسلان کرمی، در کتاب «قیام سی‌ام تیر» چاپ شده است و در آن شاعر، قوام‌السلطنه را ننگ عالم بشریت و ستمکار و ظالمی میداند که بالاخره سرنگون شده و از منصب خود کنار رفته است: «ای خفتگان خاک شهیدان نطفه پاک/ ای کشتگان فاجعه تیر هولناک/ از جنبش

مقدس مردان پاکباز/ شد سرنگون قوام ستمکار یکه‌تاز/ با او بگفت ملت بیدار و هوشیار/ ای ننگ عالم بشریت برو کنار» (ترکمان، ۱۳۶۲: ۵۹۲)

علی محمد ریاحی، به مناسبت چهلم شهدای واقعه سی تیر، شعری را سرود و در آن از مصدق و دیگر شهدا تجلیل کرد. او درباره قوام نیز سخن می‌گوید و او را به دلیل اینکه مقابل مردم ایستاده و بر روی آنها اسلحه کشیده است، ابله‌ترین ابلهان میدانند: «حضرت دکتر مصدق پیشوای ملت است/ حق پرست و پاک و میهن‌خواه برعکس قوام/ هیچ عاقل بلکه هیچ ابله نیایی در جهان/ کو به روی ملت خود برکشد از تیغ نیام» (ریاحی، نقل از ترکمان: ۱۳۶۲: ۵۹۸).

خسرو فرشیدورد، دشمنان ایران و ایرانی را به ضحاکانی تشبیه می‌کند که جان جوانان وطن را می‌گیرند و خونشان را مینوشند: «وحشیان، بیخردان، بی‌وطنان آمده‌اند/ کافران، دوزخیان، اهرمنان آمده‌اند/ ماردوشان ستم‌پیشه ضحاک‌تبار/ بر سر نعش وطن خنده‌زنان آمده‌اند» (فرشیدورد؛ نقل از ذاکر حسین، ۱۳۷۷: ج ۴: ۲۰).

انتقاد

بخش مهمی از درونمایه‌های اشعار شاعران مورد بحث، انتقاد، گلایه و شکایت است. این گلایه‌ها گاه از رهبران سیاسی و گاه از مخالفان آنان و حکومت صورت گرفته است. گاهی نیز شاعر از مردم و افراد جامعه انتقاد می‌کند و مردم را به دلیل بی‌تفاوتی و حمایت نکردن از مبارزات آزادی‌خواهانه مورد سرزنش قرار می‌دهد. میتوان درونمایه این گونه اشعار را در چند بخش زیر تقسیم‌بندی و تحلیل کرد:

– انتقاد از حکومت

اشعاری که در این بخش قرار می‌گیرند، حاوی گلایه از ظلم و ستم حکام و افراد وابسته به دولت هستند و دشمنیهای آنان نسبت به مردم را توصیف می‌کنند. بدیهی است که آگاهی و بیداری مردم در مسائل سیاسی و اجتماعی، به زبان حاکمان بود و آنان به هر دست آویزی متوسل میشدند تا جلوی آزادی و دادخواهی مبارزان را بگیرند و مردم را در فقر و نادانی نگاه‌دارند. یکی از شاعرانی که به انتقاد از حکومتیان پرداخته، احمد بهمنیار معروف به «احمد دهقان»، از آزادیخواهان این دوره است. او در یکی از اشعارش، به نکته مهمی اشاره می‌کند و همچنان که در مباحث سیاسی و جامعه‌شناسی گفته شده، دولت و حکومت باید با مردم، صادق باشد؛ به خواسته‌ها و نیازهای آنان توجه کند و مقدمات رفاه و آسایش آنان را نیز فراهم نماید؛ اما اگر وظایف خود را انجام نداد و با هرگونه مخالفتی که از جانب مردم روبرو شد، به سرکوب و جنگ پرداخت، ملت را دشمن خویش ساخته و مردم دیگر هرگز تمایل به فرمانبری و حفظ قوانین ندارند. این مسائل، میان ملت و دولت، بیش از پیش فاصله می‌اندازد و مردم از دولت و وابستگان آن خشمگین میشوند: «مرکزیان غافلند کاین همه کین‌پروری/ به عاقبت خلق را کند ز مرکز بری/ پویند از اضطرار طریقه خودسری/ کی کند از روی میل طاعت و فرمانبری/ توده ملت که شد ز دولتش خشمگین» (بهمنیار، نقل از ذاکر حسین، ۱۳۷۷: ۵۶۰).

علی‌اکبر گلشن، شاعر دیگری است که در جریان کشته‌شدن کلنل، از مشروطه و تحولات آن گلایه دارد و می‌گوید: با وجود این همه جانهای عزیز هموطنانم که در راه برقراری مشروطه فدا شد، ما از مشروطه هیچ نتیجه‌ای ندیدیم و حتی شرایط بدتر نیز شده است: ««خانه آن خائنی خراب که از کین/ سوخت به قتل روان نادر و سیروس/ بعد تو باید که از ترقی ایران/ صرف‌نظر کرد و بود از همه مأیوس/ با همه جانبازی ای دریغ ندیدیم/ هیچ ز مشروطه جز نتیجه معکوس» (گلشن، ۱۳۳۲: ۸۶).

– انتقاد از رهبران نهضتها

نمونه انتقاد از رهبران سیاسی، ابیات زیر است که یکی از روحانیون شاعر، از میرزا کوچک‌خان به دلیل تأمل زیاد در مبارزاتش، گلایه کرده و مینویسد: «خاک ایران توتیا شد زیر سم اسب دشمن/ تا به کی ای شیر بنمودی تو اندر بیشه مسکن/ مردم از شاه و وزیر و دیگران مأیوس اما / جمله برآند کی ملک از تو خواهد گشت گلشن/ ملت ایران به امید تو و تو توی جنگل/ عار ناید چون تویی را روز و شب آسوده خفتن؟» (نقل از فخراپی، ۱۳۵۷: ۳۲۸).

– انتقاد از مردم

در بخش انتقاد از مردم می‌توان به شعری از خلیل دانش‌پژوه اشاره کرد که از مردم به دلیل جهل و نادانی و بی‌توجهیشان گلهمند است. او میرزا کوچک‌خان را قهرمانی مدافع وطن معرفی کرده و وی را نیروی ایزدی میدانند که به جنگ با اهریمن برخاسته است. در این شعر، شاعر خود را در جایگاهی بیطرف نشان داده و با جانبداری از میرزا کوچک‌خان، هم نسبت به اعمال خویش و هم افراد جامعه انتقاد و گلایه دارد تا مخاطب را به تأمل درباره مرگ میرزا کوچک‌خان وادارد: «این قهرمان مدافع وطن بود / لشکرکش و شجاع و صف‌شکن بود/ یزدان‌صفت به جنگ اهرمن بود/ کی مثل ما به فکر ما و من بود؟/ ای وطن! تو آباد نمیشی! ملت! تو آزاد نمیشی/ ای دل! دگر شاد نمی‌شی! چرا که ما ملولیم جهولیم/ بی‌دانش و فضولیم؛ بی‌دانش و فضولیم» (دانش‌پژوه؛ نقل از فخراپی، ۱۳۵۷: ۳۹۳).

علی‌آذری که از یاری نرساندن مردم به کلنل تقی‌خان پسیان آزرده است، مردم را صد رنگ و ریاکار میخواند: «دل‌خوش نیم ز مردم صد رو و رنگ، من/ شاعر رسان به اهل خرد این پیام ما/ ما را دلی است پر ز محبت برای دوست/ اما کجاست دوست که ببندد مقام ما/ تا رفت از بر من و تو نوگل وطن/ افتاد دست دشمن ایران مهمام ما/ درهم شکست بعد تو صفهای انقلاب / قرنی عقب افتاد در ایران قیام ما» (آذری، ۱۳۴۴: ۳۶۵).

عارف قزوینی نیز از این که مردم زیر بار ظلم میروند و به هر خواری و حقارتی تن میدهند، گلایه و شکایت دارد و از این‌که در میان چنین مردمی زندگی میکند و او نیز آلوده این ننگ شده، اظهار تأسف می‌کند و برای خویش آرزوی مرگ دارد: «به تیره‌روزی و بد روزگاریم یک عمر/ گذشت و بگذرد این روزگار من است/ میان مردم ننگین، آنقدر ننگین/ شدم که ننگ من اسباب افتخار من است/ تگرگ مرگ بگو سیل خون ببار و ببر/ تو رنگ ننگ که آن فصل خوش بهار من است» (عارف‌قزوینی، ۱۳۴۲: ۱۰۲).

کلنل تقی‌خان پسیان، خود نیز طبع شاعری داشت و گاهی ابیاتی را میسرود. در کتابی که یکی از دوستان وی تألیف کرده، بیت زیر را از کلنل آورده که وی، از رواج خرافات میان مردم گلایه دارد. کلنل تقی‌خان، که خود از سرآمدان روزگار بود، در دانایی و عدالت و حق‌پرستی یگانه و زبانزد مردم شده بود. طبیعی است که چنین فردی، از جهل و خرافاتی که در ذهن و زندگی مردم عامی جریان دارد، رنج میبرد و خدا را برای آگاهی دادن به بندگانیش به یاری می‌طلبد: «جانم به لب آمد ز خرافات خلاق/ ای قدرت حق اکمل انسان نظری کن» (پسیان، ۱۳۵۶: ۶۸-۷۷).

– بیگانگانه‌ستیزی

انتقاد از بیگانگان و دولتهای استعمارگر نیز در اشعار شاعران نمود زیادی دارد. ابیات زیر در انتقاد از انگلستان و دزدیهای دولتمردان این کشور در ایران است و شاعر میگوید: انگلیسیها برای رسیدن به مقصود خود و تأمین منافع خویش، هر آن به فردی متوسل میشوند و وقتی مزدوران آنها مثل یک مهره سوخته، ناکارآمد شدند، او را کنار

گذاشته و به سراغ فرد دیگری می‌روند تا آنها را به خواست و هدفشان نزدیک کند: «ملک ما را خوردنی فهمیده است/ بر سر ما شیرها مالیده است/ او گمان دارد که ایران بردنی است/ همچو شیر سرزمینی خوردنی است/ با وثوق الدوله بست اول قرار/ دید از آن حاصلی نامد به کار/ پول او خوردند بر زیرش زدند/ پشت پا بر فکر و تدبیرش زدند/ چون که او مایوس گردید از وثوق/ کودتایی کرد و ایران شد شلوق... / کودتا هم کام او شیرین نکرد / این حنا هم دست او رنگین نکرد» (عشقی، ۱۳۳۲: ۷۸).

برخی از انتقادات شاعران از شیوه دولتهای بیگانه در برخورد با کشورمان و دیگر کشورهای آسیایی است. احمد بهمنیار در یکی از شعرهایش، به همه کشورهای که برای غارت کشور ما خوابهایی دیده‌اند، میتازد. او عقیده دارد که این کشورها، کنفرانسها و گردهمایی‌های زیادی برگزار می‌کنند تا درباره چگونگی غارت کشور ما و دیگر کشورهای مسلمان، نقشه بکشند. برنامه آنها این است که کل جهان را مستعمره خود کنند و بین یکدیگر قسمت کنند: «مغرب بس خورده خون، گرفته دیوانگی/ شده‌ست مغزش تهی ز هوش و فرزانی/ بشر نبیند مگر به چشم بیگانگی/ نبوید از حرص و آز طریق مردانگی/ به حیل آورد خواست جهان به زیر نگیں/ دهند گه کنفرانس کنند گه کنگره/ به زیر فرمان کشند جهانیان یکسره/ گیتی قسمت کنند به نام مستعمره/ به یکدگر در ستیز که تا که یابد فره/ به مصر و شام و عراق به هند و ایران و چین...» (بهمنیار، نقل از ذاکر حسین، ۱۳۷۷: ۵۵۸-۵۶۰). شاعر عقیده دارد که ظلم و ستمی که انگلیسیها بر ایرانیان روا داشتند، مغولان در حق کشور ما انجام ندادند؛ زیرا این کشور در پی از بین بردن اسلام و مسلمانان است و در این راه از هیچ کاری فروگذار نمی‌کند: «نکرد هرگز مغول آنچه بریتان کند/ کجا مغول فتنه‌ها چنین فراوان کند/ گهی در ایران طمع گهی در افغان کند/ که ملک اسلام را یکسره ویران کند» (همان).

نتیجه‌گیری

نهضت‌های اجتماعی جنبش‌هایی هستند که از متن جامعه است برآمده‌اند و هدف آنها، تغییر و یا اصلاح جنبه‌هایی از زندگی اجتماعی، فرهنگی، سیاسی یا اقتصادی است. در زمان مشروطه بنا بر شرایط خاص کشور و حضور و دخالت بیگانگان، نهضت‌هایی به وقوع پیوست که بر ادبیات و به ویژه شعر تأثیر فراوانی داشت. متقابلاً شاعران نیز با اشعار و سروده‌های خود به آگاه‌سازی و بیداری مردم کمک شایانی کردند و در راه مبارزات میهنی و ملی، قدمهای مؤثری برداشتند. ویژگیهای اشعار این شاعران که در جریان نهضت‌های ملی و اجتماعی شعر سرودند عبارت است از:

- با توجه به یافته‌های این پژوهش، این اشعار از جنبه‌های مختلفی قابل توجهند اما از همه مهمتر، بررسی شیوه شاعران در اقناع مخاطب و اثرگذاری بیشتر بر مخاطب است که منجر به گسترش مبارزات و آوردن ملت به بطن حوادث میشود. این تأثیرگذاری به روشهای مختلفی صورت میگیرد که مهمترین آنها عبارت است از: ۱- برانگیختن مردم به مبارزات آزادیخواهانه ۲- تحسین و ستایش رهبران نهضتها و دیگر مبارزان. ۳- ذم و تحقیر رهبر یکی از احزاب یا دشمنانشان. ۴- انتقاد.

- در بخش اول، یعنی برانگیختن مردم به برای پیوستن به مبارزات، شاعران از سه شیوه قابل توجه استفاده کرده‌اند که عبارتند از: الف) توجه به شخصیت‌های اساطیری؛ ب) استفاده از باورهای فرهنگی؛ ج) دعوت مردم به مبارزه، با استفاده از شگردهای بیانی است. لحن و شیوه بیان شاعران در این اشعار کاملاً متناسب با شرایط زمانه و طی مسیرهای مختلف و قیامهای گوناگون است. شاعر مانند پدری دلسوز و مهربان، با لحنی آرام به خوانندگان و مردم

میپهنش، امید و انگیزه میدهد و آنها را به سوی یک زندگی بهتر، در پرتوی پیوستن به قیامها و مبارزات دعوت میکند.

-بخش قابل توجهی از این اشعار نیز به بیان اعتراض و انتقاد اختصاص یافته است. این اشعار را میتوان در چهار بخش: انتقاد از مردم، انتقاد از رهبران سیاسی، انتقاد از حکومت و بیگانه‌ستیزی دسته‌بندی کرد. شاعر گاه زبانی تند و گزنده و سرزنشگر دارد و از اینکه مردم در بزنگاههای حساس سیاسی، به یاری رهبران مبارز خود برخاستند، آنان را به باد طعنه و ملامت میگیرد. گاه به اهداف قیام اشاره میکند و گاه به دلایل شکست یا پیروزی قیامها. برخی شاعران مانند یک تحلیلگر سیاسی به امور حادث‌شده و پیامدها و علل آن میپردازند و این اتفاق خجسته‌ای است که شعر و شاعر، این‌چنین در بطن جامعه و حوادث حضور داشته و دارد.

بنابراین میتوان گفت شعر یکی از محوریت‌ترین و مهمترین ارکان مبارزه و از تأثیرگذارترین سلاحهای کارآمد در جامعه بوده است. در بسیاری از اشعار، مهمترین دلیل شکست سران نهضتها، جهل و حماقت و بی‌تفاوتی مردم و همچنین دخالت عوامل بیگانه در امور کشور معرفی شده است؛ چرا که اگر ملت یکپارچه میشدند و برای رسیدن به آزادی و آرمانهای سیاسی متحدانه تلاش میکردند، بسیاری از این نهضتها به ثمر نشسته بود.

مشارکت نویسندگان:

این مقاله از رساله دکتری پریچهر کوهنورد استخراج شده است. جناب آقای دکتر مرتضی فلاح راهنمایی و جناب آقای دکتر مجید پویان مشاوره رساله را بر عهده دارند. خانم پریچهر کوهنورد بعنوان پژوهشگر این جستار گردآوری داده‌ها و تنظیم نهایی متن را انجام داده است و در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر میباشد.

تشکر و قدردانی:

با سپاس از عنایت خداوند متعال و آرزوی توفیق فرهیختگان عرصه علم و دانش در دانشگاه یزد و گروه محترم زبان و ادبیات فارسی این دانشگاه و کارکنان و مسئولین محترم نشریه وزین سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب).

تعارض منافع:

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریج داخلی و خارجی به چاپ نرسیده است و حاصل فعالیت‌های پژوهشی نویسندگان یاد شده است و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت کامل دارند. در این پژوهش کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچگونه تخلف و تقلبی در نگارش آن صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده دارند.

REFERENCES

- Ajudani, M (2003). Either death or renewal. First edition, Tehran: Akhtaran
- Azari, A (1983). The uprising of Sheikh Mohammad Khaibani in Tabriz. Publisher: Safi Alisha
- Azari, A (1965). Uprising of Colonel Mohammad Taqi Khan Pesian in Khorasan. Tehran: Kavian Publishing
- Agend, Y (2005). Literary renewal in the constitutional period. Tehran: Publication of Human Sciences Research and Development Institute

- Ebrahimi, T and Ebrahimi, M (2014). "The causes of the formation and nature of political movements in the Middle East". *Laws of Nations*, No. 14, pp.211- 234
- Adib Broumand, A (2012). *A collection of poems by Adib Broumand*. Tehran: Negah Publications.
- Azghandi, A (2004). "Tankabani, Mohammadwali Khan". *Islamic world encyclopedia*. No. 8, pp. 306- 308
- Afarashte, M (1978). *A selection of Afarashte's poems*. With an introduction by Nusratullah Nouh, first edition, Tehran: Rifat publishing house
- Amin Sarmi, N (2013). *Sociology of social movements: evolution of labor actions in Iran*. First edition, Tehran: Imam Sadiq University
- Amin, S.h (2004). "The Rise of Thirty-Tir" *Hafez Magazine*, No. 4, pp. 29- 31
- Amin, S. H (2005). "Reflection of Colonel Pesian's resistance in Persian poetry". *Hafez Magazine*, No. 29, pp. 39- 52
- Iraj Mirza, (2017). *Diwan of poems*. Tehran: Melina Publishing
- Brown, E (2007). *History of Iranian press and literature during the constitutional period*. Translator: Mohammad Abbasi, Tehran: Nashr elm
- Bahar, M (2008). *Divan of Malik Al-Sharai Bahar's poems*. Based on the printed version of 1344, Tehran: Negah
- Bahmani Qajar, M (2011). "The story of Sheikh Khazal". *Historical studies*, year 9, No. 35, pp. 10- 25
- Bayat, K (2001). "Professionalism, Seyyed Jaafar Javadzadeh". *Encyclopaedia of Islamic World*, No. 5, pp. 962- 965
- Pasian, M (1977). *Biography of Colonel Mohammad Taghi Khan Pesian*. Gathering a group of friends and fans of the late Shahreza: Sahar Publications
- Pourbakhtiar, Gh (2008). "Sardar Asad Bakhtiari and cultural efforts". *Ganjineh Ostad Magazine*, No. 69, pp .19- 24
- Turkman, M (1983). *30th National Uprising according to documents and pictures*. Tehran: Dehkhoda publishing house
- Sanaipour, M (2012). "Investigation and analysis of the reflection of the failure of the constitutional movement in contemporary poetry with an emphasis on the poems of Aref Qazvini and Malek Al-Shaara Bahar. Semnan University
- Hatami, H (2010). "The fields and social themes of the poetry of the awakening period". PhD thesis, supervisor: Ali Asghar Baba Safari, advisor: Seyed Morteza Hashemi Babaheidari. University of Esfahan
- Khosrowzadeh, S; Sheikh Nouri, M; Ali Sufi, A and Naibpour, M (2014). "Analysis of the contexts and factors on the beginning of Semko rebellion". *Historical researches*, year 7, No 3, pp .1- 18
- Dehghan, I (1947). *Diwan of poems*. By Fereydoun Dehghan, Rasht: Zarbafi Press

- Zaker Hossein, A (1998). Iran's political literature in the era of constitutionalism. Tehran: Neshar Alam
- Ravasani, Sh (2001). "Who is Melli and what is the Melli movement?". Journal of political and economic information, No 163 and 164, pp. 92- 99
- Zare, Gh; Nikobakht, N (2016). "Motives for paying attention to ancient Iran in the poetry of the constitutional era". Journal of Literary Researches, No. 15, pp. 139-153
- Sarmad, S (1968). Divan Sadegh Sarmad; Iran's national poet. Tehran: Bahman
- Shafii Kadkani, M (2010). Periods of Persian poetry; From constitutionalism to the fall of the monarchy. First edition, Tehran: Sokhn
- Shahryar (Behjat Tabrizi), M (2021). Diwan Shahriar Tehran: Negah Publications
- SelahKhah, A (1991). Diwan Khoshdel Tehrani. (pseudonym: Mehran Khoshdel Tehrani) Tehran: Khajaje Press
- Tarafdari, M (2009). "Nationalism, rewriting and the formation of the Persian language academy in the first Pahlavi period". Treasure of Documents, Volume 20, No. 1, pp. 58- 72
- Aref Qazvini, M (1963). Diwan Abulqasem Aref Qazvini. Eastern printing house.
- Eshghi, M (1953). Love selections. By the efforts of Mohammad Hasan Elmi, first edition, Tehran: Elmi Press
- Fakhraei, I (1978). Sardar Jangal Mirza Khokhk Khan. 9th edition, Tehran: Javidan Publications.
- Farozanfar, B (Bita). Tehran: Tehran University Press.
- Falah Tutkar, H (2009). "Peasants in Tabriz resistance movement; The age of minor tyranny". Researches of historical sciences, no 2, pp. 111- 122
- Karimi Hakak, A (2005). The forefront of modernity in Persian poetry. Translated by Masoud Jafari, Tehran: Marwarid Publications.
- Kasravi, A (1997). The uprising of Sheikh Mohammad Khayabani. With an introduction, margins and editing by Dr. Mohammad Ali Homayoun Katouzian, first edition, Tehran: Nahr-e-Karzan.
- Golavori, A (2005). "Achievements of Iran's Oil Industry Nationalization Movement". Hafez, No. 25, p.17
- Golshan, A (1953). Diwan Gulshan Azadi; Ghazals, odes, masnavis, quatrains, pieces. Mashhad: Azadi Press.
- Lamton, A (1983). Siri in the history of Iran after Islam. Translated by Yaqub Azhand, Tehran: Amir Kabir Publishing House.
- Mahdizadeh, M; Parveen Gonabadi, B; Mohammadi, M (۲۰۲۳). "Investigation of four elements and their symbolic role in connection with political and social issues of constitutional poetry". Stylistics of Persian poetry and prose (Bahar Adeb), year 16, number 11, serial number 93.
- Mirsadeghi, J (2014). Fiction. Tehran: Sokhn

فهرست منابع فارسی

- آجودانی، ماشالله (۱۳۸۲). یا مرگ یا تجدد. چاپ اول، تهران: اختران.
- آذری، علی (۱۳۶۲). قیام شیخ محمد خیابانی در تبریز. چاپ چهارم. ناشر: صفی‌علیشاه.
- آذری، علی (۱۳۴۴). قیام کلنل محمدتقی خان پسیان در خراسان. تهران: چاپ کاویان.
- آژند، یعقوب (۱۳۸۴). تجدد ادبی در دوره مشروطه. چاپ اول، تهران: نشر موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- آژند، یعقوب (۱۳۶۳). ادبیات نوین ایران؛ از مشروطیت تا انقلاب اسلامی. چاپ اول، تهران: امیرکبیر.
- ابراهیمی، طالب و محسن ابراهیمی (۱۳۹۳). «علل شکل‌گیری و ماهیت جنبش‌های سیاسی در خاورمیانه». حقوق ملل، شماره ۱۴، صص ۲۱۱-۲۳۴.
- ادیب برومند، عبدالعلی (۱۳۹۱). مجموعه اشعار ادیب برومند. تهران: انتشارات نگاه.
- ازغندی، علیرضا (۱۳۸۳). «تنکابنی، محمودلی خان». دانشنامه جهان اسلام. شماره ۸، صص ۳۰۶-۳۰۸.
- افراشته، محمدعلی (۱۳۵۷). برگزیده اشعار افراشته. با مقدمه نصرت‌الله نوح، چاپ اول، تهران: نشر رفعت.
- امین صارمی، نوذر (۱۳۹۳). جامعه‌شناسی جنبش‌های اجتماعی: تحول کنش‌های کارگری در ایران. چاپ اول، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- امین، سید حسن (۱۳۸۳). «قیام سی تیر». مجله حافظ، شماره ۴، صص ۲۹-۳۱.
- امین، سیدحسن (۱۳۸۵). «بازتاب مقاومت کلنل پسیان در شعر فارسی». مجله حافظ، شماره ۲۹، صص ۳۹-۵۲.
- ایرج میرزا، دیوان اشعار. تهران: نشر ملینا.
- براون، ادوارد گرانویل (۱۳۸۶). تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت. مترجم: محمد عباسی، تهران: نشر علم.
- بهار، محمدتقی (۱۳۸۷). دیوان اشعار ملک‌الشعرا بهار. بر اساس نسخه چاپ سال ۱۳۴۴، تهران: نگاه.
- بهمنی قاجار، محمدعلی (۱۳۹۰). «ماجرای شیخ خزعل». مطالعات تاریخی، سال ۹، شماره ۳۵، صص ۱۰-۲۵.
- بیات، کاوه (۱۳۸۰). «پیش‌ه‌وری، سیدجعفر جوادزاده». دانشنامه جهان اسلام، شماره ۵، صص ۹۶۲-۹۶۵.
- پسیان، محمدتقی خان (۱۳۵۶). شرح حال کلنل محمدتقی خان پسیان. گردآوری جمعی از دوستان و هواخواهان آن مرحوم، شاهرضا: انتشارات سحر.
- پوریختیار، غفار (۱۳۸۷). «سردار اسعد بختیاری و کوشش‌های فرهنگی». نشریه گنجینه استاد، شماره ۶۹، صص ۱۹-۲۴.
- ترکمان، محمد (۱۳۶۲). قیام ملی سی‌ام تیر به روایت اسناد و تصاویر. تهران: نشر دهخدا.
- ثنایی‌پور، مسعود (۱۳۹۲). «بررسی و تحلیل بازتاب شکست نهضت مشروطه در شعر معاصر با تأکید بر اشعار عارف قزوینی و ملک‌الشعرا بهار». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: عبدالله حسن زاده، استاد مشاور: یدالله شکری، دانشگاه سمنان.

- حاتمی، حافظ (۱۳۸۹). «زمینه‌ها و درون‌مایه‌های اجتماعی شعر دوره بیداری». پایان‌نامه دکتر، استاد راهنما: علی‌اصغر بابا صفری، استاد مشاور: سیدمرتضی هاشمی باباحیدری. دانشگاه اصفهان.
- خسروزاده، سیروان؛ شیخ نوری، محمد امیر؛ علی صوفی، علیرضا و محمد نایب‌پور (۱۳۹۴). «واکاوی زمینه‌ها و عوامل بر آغاز شورش سمکو ۱۲۸۵ تا ۱۲۹۷ ش/ ۱۹۰۶ تا ۱۹۱۸ م». پژوهش‌های تاریخی، سال ۷، شماره ۳ پیاپی ۲۷، صص ۱-۱۸.
- دهقان، اسماعیل (۱۳۲۶). دیوان اشعار. به اهتمام فریدون دهقان، رشت: چاپ زربافی.
- ذاکرحسین، عبدالرحیم (۱۳۷۷). ادبیات سیاسی ایران در عصر مشروطیت. چاپ اول، دوره چهار جلدی، تهران: نشر علم.
- رواسانی، شاپور (۱۳۸۰). «ملی کیست و نهضت ملی چیست؟». نشریه اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۱۶۳ و ۱۶۴، صص ۹۲-۹۹.
- زارع، غلامعلی؛ نیکوبخت، ناصر (۱۳۸۶). «انگیزه‌های توجه به ایران باستان در شعر عصر مشروطه». نشریه پژوهش‌های ادبی، شماره ۱۵، صص ۱۳۹-۱۵۳.
- سرمد، صادق (۱۳۴۷). دیوان صادق سرمد؛ شاعر ملی ایران. تهران: بهمن.
- شفیعی‌کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۰). ادوار شعر فارسی؛ از مشروطیت تا سقوط سلطنت. چاپ اول، تهران: سخن.
- شهریار (بهجت تبریزی)، سیدمحمدحسین (۱۴۰۰). دیوان شهریار. تهران: انتشارات نگاه.
- صلح‌خواه، علی‌اکبر (۱۳۷۰). دیوان خوشدل تهرانی. (نام مستعار: مهران خوشدل تهرانی) چاپ دوم، تهران: چاپ خواجه.
- طرفداری، محمد علی (۱۳۸۹). «ملی‌گرایی، سرهنویسی و شکل‌گیری فرهنگستان زبان فارسی در دوره پهلوی اول». گنجینه اسناد، دوره ۲۰، شماره ۱، صص ۵۸-۷۲.
- عارف قزوینی، میرزا ابوالقاسم (۱۳۴۲). دیوان ابوالقاسم عارف قزوینی. چاپخانه مشرقی.
- عشقی، میرزاده (۱۳۳۲). منتخبات عشقی. به کوشش محمدحسن علمی، چاپ اول، تهران: چاپخانه علمی.
- فخرایی، ابراهیم (۱۳۵۷). سردار جنگل میرزا کوچک خان. چاپ نهم، تهران: انتشارات جاویدان.
- فروزانفر، بدیع‌الزمان (بی‌تا). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- فلاح‌توتکار، حجت (۱۳۸۸). «دهقانان در جنبش مقاومت تبریز؛ عصر استبداد صغیر». پژوهش‌های علوم تاریخی، شماره ۲، صص ۱۱۱-۱۲۲.
- کریمی حکاک، احمد (۱۳۸۴). طلایه تجدد در شعر فارسی. ترجمه مسعود جعفری، تهران: انتشارات مروارید.
- کسروی، احمد (۱۳۷۶). قیام شیخ محمد خیابانی. با مقدمه، حواشی و ویرایش دکتر محمدعلی همایون کاتوزیان، چاپ اول، تهران: نشر مرکز.
- گل‌آوری، عبدالکازم (۱۳۸۴). «دستاوردهای نهضت ملی‌شدن صنعت نفت ایران». حافظ، شماره ۲۵، ص ۱۷.
- گلشن، علی‌اکبر (۱۳۳۲). دیوان گلشن آزادی؛ غزلیات، قصاید، مثنویات، رباعیات، قطعات. مشهد: چاپ آزادی.

لمتون، آن‌کاترین‌سوین‌فورد (۱۳۶۲). *سیری در تاریخ ایران پس از اسلام*. ترجمه یعقوب آژند، تهران: انتشارات امیرکبیر.

مهدی‌زاده، محمدرضا؛ پروین گنابادی، بهرام؛ محمدی، مریم (۱۴۰۲). «بررسی عناصر چهارگانه و نقش نمادین آنها در پیوند با مسائل سیاسی، اجتماعی شعر مشروطه». *سیک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)*، سال ۱۶ شماره ۱۱، شماره پیاپی ۹۳.
میرصادقی، جمال (۱۳۹۴). *ادبیات دستانه*. تهران: سخن.

معرفی نویسندگان

پریچهر کوهنورد: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده زبان و ادبیات، دانشگاه یزد، یزد، ایران.

(Email: p.koohnavard@gmail.com)

(ORCID: 0009-0001-3236-7929)

مرتضی فلاح: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده زبان و ادبیات، دانشگاه یزد، یزد، ایران.

(Email: mfallah@yazd.ac.ir: نویسنده مسئول)

(ORCID: 0000-0003-1051-0461)

مجید پویان: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده زبان و ادبیات، دانشگاه یزد، یزد، ایران.

(Email: Pooyanmajid94@gmail.com)

(ORCID: 0000-0002-8019-0945)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the authors

Prichher Kohnoord: Ph.D. student, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Language and Literature, Yazd University, Yazd, Iran.

(Email: p.koohnavard@gmail.com)

(ORCID: 0009-0001-3236-7929)

Morteza Fallah: Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Language and Literature, Yazd University, Yazd, Iran.

(Email: mfallah@yazd.ac.ir: Responsible author)

(ORCID: 0000-0003-1051-0461)

Majid Pouyan: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Language and Literature, Yazd University, Yazd, Iran.

(Email: Pooyanmajid94@gmail.com)

(ORCID: 0000-0002-8019-0945)